

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۶۰، خرداد ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

صص: ۴۰-۱۷

تبیین و بررسی شاخص تکافل اجتماعی

به عنوان شاخصی از شاخص‌های توسعه در علوم اجتماعی و قرآن کریم

جلیل بیت مشعلی^۱، سعید عباسی نیا^{۲*}، علی حسین حسین زاده^۳

۱- دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران

۲- استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران

۳- استاد گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران - استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران

، اهواز، ایران

چکیده

شاخص‌های توسعه اجتماعی بر اساس تعاریف اقامه شده برای مفهوم توسعه و بر مبنای دیدگاه‌های مختلف و سازمان‌ها و موسساتی که ارائه گزارش‌هایی جهانی از توسعه اجتماعی را برعهده دارند، متفاوت است؛ اما قدر متیقن وجوه اشتراک عدیده‌ای میان آنها قابل شناسایی است و از آنجا که دامنه مفهوم و به تبع آن شاخص‌های توسعه اجتماعی در قرآن کریم گسترده‌تر است، لذا رهیافتهای قرآنی شاخص‌های مذکور را پوشش داده گرچه برخی را برجسته تر و دارای تاکید بیشتری معرفی می‌نماید. در بررسی‌های اولیه، شاخص‌هایی همچون: مشارکت‌پذیری، تاب‌آوری، نظارت عمومی و .. در قرآن کریم به شکل برجسته‌تری مورد تاکید است. یکی از این شاخص‌های برجسته، «تکافل اجتماعی یا تعاون اجتماعی» است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که مفهوم شاخص تکافل در علوم اجتماعی با قرآن و مفاهیم قرآنی چه رابطه‌ای دارد؟ مفهوم سازی‌هایی که موضوع تکافل اجتماعی در قرآن را پوشش می‌دهند و عناصر و تاسیس‌های قرآنی برای تامین و تحقق تکافل اجتماعی کدامند؟

کلمات کلیدی: تکافل، توسعه اجتماعی، شاخص‌های توسعه، علوم اجتماعی، قرآن کریم

مقدمه

توسعه اجتماعی^۱ از جمله مباحث بین رشته ای شمرده می شود. زیرا علوم مختلف نظیر اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه شناسی در مورد آن به بحث می پردازند و هر کدام به نوعی در شکل گیری آن نقش دارند. در واقع توسعه کوششی است به منظور نیل به تعادلی که تاکنون تحقق نیافته است و یا راه حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود داشته و تجدید حیات می یابد (روشه، ۱۳۷۶: ۱۸۵). به عبارت دیگر توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می باشد به این مناسبت است که گفته شده: «منظور از توسعه اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابل است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می دهد» (توسلی، ۱۳۷۳: ۱۵۴). پس توسعه اجتماعی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد. ملاحظه می شود که توسعه اجتماعی در قیاس با مفاهیمی چون توسعه اقتصادی حوزه وسیع تری را در بر می گیرد. مطابق با ادبیات علوم اجتماعی اولیه، توسعه اجتماعی تقریباً مترادف تکامل اجتماعی به کار می رود. مراحل تکامل جامعه بشری که اغلب اوقات در یک چشم انداز جامعه شناختی کلان تعیین می شود نمودی از توسعه اجتماعی به شمار می آید. بسیاری از تکامل گرایان به نوعی کلیت و جهان شمولی و اجتناب ناپذیری در این توالی های تکاملی اعتقاد دارند. در بحث های جدیدتر، مفهوم توسعه اجتماعی از فرضیه تکاملی جدا شده و روی موضوعات مربوط به تامین نیازهای بشر و ارتقاء کیفیت زندگی تمرکز کرده است. حال اگر توسعه اجتماعی به معنای گسترده آن مورد نظر باشد دقیقاً معادل توسعه همه جانبه خواهد بود ولی اگر جایگاه توسعه اجتماعی در مقابل توسعه سیاسی، اقتصادی و غیره در نظر باشد، باید توسعه اجتماعی را در چگونگی شخصیت فردی، خانوادگی و وجود نهادهای اجتماعی مناسب و تاثیر گذار نظیر آموزش و پرورش، آموزش عالی، تامین اجتماعی و... جستجو کرد. در این معنا، برای تحقق توسعه اجتماعی باید شاخص های زندگی و رفاه اجتماعی بهبود پیدا کند (همان: ص ۴۳۸). اما توسعه با مفهوم دیگری را نیز می توان تصور کرد که آغاز و انجامش متفاوت با توسعه غربی باشد: "توسعه" در مفهوم دینی و قرآنی، بازنمایی از رشد و شکوفایی است که در آن دو پهنه حیات مادی و معنوی بشر مورد توجه قرار می گیرد و هم شامل دنیا و آخرت اوست.

فرضیه های پژوهش:

۱. از آنجا که اصطلاح توسعه اجتماعی و مفهوم آن از مفاهیم عصری و حاصل از نظریات توسعه همه جانبه در علوم انسانی با پایه متدولوژی تجربی بوده و اصطلاحی جدید است که با این عنوان و عناوین مشابه در قرآن کریم نیامده است و هم از آنجا که سعادت، رشد و پیشرفت بشر در جهت اهداف و غایت خلقت، موضوع هدایت های قرآنی است لذا به نظر می رسد برای نیل به افکار، اندیشه ها و راهبردهای قرآنی در این زمینه، می بایست ماحصل اندیشه بشری در

^۱ . social development

علوم مرتبط را به نحوی بر قرآن عرضه داشت که دیدگاه قرآن در این زمینه از مجموعه مفاهیم، راهبردها، اندیشه‌ها و حکمت‌های قرآنی به شکل مجموع حاصل گردد. در این راه با پژوهشی میان‌رشته‌ای و از نوع تفسیر موضوعی با موضوع و مساله‌ای برون قرآنی روبرو هستیم که با کاربرد روش مذکور نظریه واحد قرآنی در موضوع توسعه اجتماعی قابل تبیین می‌گردد.

۲. در علوم اجتماعی تعاریف عدیده و گاه متباینی از توسعه اجتماعی و شاخص‌های آن از جمله شاخص تکافل اجتماعی، ارائه گردیده که هر یک تحت نظریه و دیدگاهی خاص قرار می‌گیرد؛ همچون تعاریف ریچارد استس^۱ و یا استیکلیتز^۲ و یا .. که به دو دسته تعاریف خاص و تعاریف عام قابل تقسیم است و از آنجا که تعاریف مذکور حاصل تجربه بشری و کشف و شناسایی برخی از عناصر و ابعاد وجود انسانی و به تبع آن اجتماع انسانی است به نظر می‌رسد با توجه به اینکه کلیت و حقیقت انسان و جامعه انسانی در قرآن کریم با جامعیت و حکمت حاصل از علم مطلق الهی و در دو ساحت کلی حیات دنیوی و اخروی و در جهت کمال و قرب الهی مطمح نظر می‌باشد لذا مفهوم توسعه اجتماعی و شاخص‌هایی همچون تکافل، از دیدگاه قرآن دامنه وسیع‌تر، شامل‌تر و جامع‌تری را پوشش می‌دهد.

۳. با توجه به اینکه شاخص‌های توسعه اجتماعی بر اساس تعاریف اقامه شده برای مفهوم توسعه و بر مبنای دیدگاه‌های مختلف و همچنین سازمان‌ها و موسساتی که ارائه گزارش‌هایی جهانی از توسعه اجتماعی را برعهده دارد متفاوت است اما قدر متیقن وجوه اشتراک عدیده‌ای میان آنها قابل شناسایی است و از آنجا که دامنه مفهوم و به تبع آن شاخص‌های توسعه اجتماعی در قرآن کریم گسترده‌تر است، لذا رهیافت‌های قرآنی شاخص‌های مذکور را پوشش داده گرچه برخی را برجسته‌تر و دارای تاکید بیشتری معرفی می‌نماید. در بررسی‌های اولیه شاخص‌هایی همچون: مشارکت در همه ابعاد آن، مسئولیت‌پذیری، انفاق در همه ابعاد آن، روح کار جمعی، نظارت عمومی (دو نهاد امر به معروف و نهی از منکر)، برخورداری، رواداری، تکافل اجتماعی و امثال آنها در قرآن کریم به شکل برجسته‌تری مورد تاکید است.

پرسش‌های پژوهش:

حال با توجه به این مقدمه باید به این پرسش مهم پاسخ داد که چگونه می‌توان به بحث توسعه اجتماعی و شاخص‌های آن از دیدگاه دین و قرآن پرداخت؟ در پاسخ باید گفت که در واقع ما با یک پرسش درون قرآنی مواجه نیستیم بلکه این پرسش برگرفته از مطالعات حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات اجتماعی است. به عبارت دیگر توسعه اجتماعی دارای شاخص‌ها، روندها و فرآیندهایی است که تحت نظر برخی نظریه‌ها با هم تفاوت دارند. طبعاً مفهوم توسعه اجتماعی در نظریات مختلف آن با شاخص‌های خاص خود ظهور و بروز پیدا کرده است که در جای خود قابل بررسی است اما ما در این نوشتار تکافل را به عنوان شاخصی از شاخص‌های توسعه اجتماعی مطمح نظر داریم تا دریابیم که نسبت قرآن با این شاخص چیست؟ آیا می‌توان این شاخص را به عنوان شاخصی از شاخص‌های توسعه اجتماعی در قرآن قلمداد کرد؟ به عبارت دقیق‌تر دنبال پاسخ به این پرسش‌های مهم هستیم که اصولاً چگونه می‌توان بر اساس رهیافت‌های قرآنی تبیینی از مفهوم توسعه اجتماعی به دست آورد؟ و مفهوم تکافل اجتماعی برآمده از قرآن در تناظر با مفهوم

^۱ Richard J. Estes

^۲ Joseph Stiglitz

مطرح در علوم اجتماعی چگونه است؟ همچنین رهیافت‌های قرآنی، شاخص‌های توسعه اجتماعی از جمله تکافل اجتماعی را چگونه تبیین می‌نماید؟

تاریخچه و پیشینه پژوهش:

آنچه قابل ذکر است اینکه که تاکنون تحقیق و پژوهشی همچون عنوان مطرح شده آن‌هم با جنبه شاخص‌های توسعه اجتماعی (از جمله تکافل) از دیدگاه قرآن کریم انجام نگرفته است و بررسی پژوهش‌های انجام شده در دسترس در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی به بررسی شاخص‌های توسعه از دیدگاه قرآن و نظریات توسعه انجام نشده است. در باب مسئله توسعه و شاخص‌های آن از جمله شاخص تکافل، تاکنون نظریات متعددی از جانب اندیشمندان این حوزه مطرح گردیده و مورد بررسی قرار گرفته است. هدف نظریات غربی از توسعه، تنها دستیابی، به رفاه مطلق مادی است. این موضوع از نظر اسلام برای انسان کمال مطلوب نبوده و هدف از آفرینش و خلقت انسان نیز تنها آن نبوده است، بلکه رفاه مادی به صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی که دین اسلام تعیین نموده است جلوه‌گر می‌شود. اما در آثار برخی از اندیشمندان جهان اسلام به موضوع تکافل اجتماعی و آثار آن در جامعه پرداخته شده است از جمله: ناصح علوان در کتاب «التکافل الاجتماعي فی الاسلام» تکافل اجتماعی را نوعی ضمانت و پشتیبانی از افراد جامعه توسط مردم و حکومت با استفاده از راهبردهای ایجابی یا سلبی به انگیزه شعور و وجدان باطنی که از عمق و مبنای اعتقاد اسلامی سرچشمه می‌گیرد؛ برای تشکیل جامعه برتر و دفع ضرر و آسیب دانسته است. زاهدی اصل در کتاب «مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام» تکافل را یک امر دوطرفه می‌داند؛ یعنی مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم در جهت مرتفع کردن مسائل و گرفتاریهای فردی و اجتماعی دارند. حسینی و کاظمی نجف آبادی در مقاله‌ای تحت عنوان «مبانی تکافل اجتماعی در اسلام» ضمن بیان مبانی تکافل اجتماعی از منظر اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، تکافل اجتماعی را به عنوان درمان بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی به ویژه فقر و نابرابری معرفی می‌نمایند. در ایران نیز تکافل اجتماعی در بسیاری از زمینه‌ها مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است، اما با توجه به تحقیقات فراوان در این زمینه هنوز هیچ پژوهشی با این عنوان مشاهده نشده و این پژوهش از این لحاظ یک نوع نوآوری محسوب می‌شود. شاید بتوان گفت که در حوزه قرآن کریم، مفهوم توسعه به ویژه توسعه اجتماعی و شاخص‌های آن نخستین بار توسط مفسران قرآن کریم با گرایش تفسیر اجتماعی ارائه شده است. تفسیر اجتماعی، شیوه خاص در تفسیر قرآن کریم است که به طی آن مفسر می‌کوشد با کشف و ارائه پیام و هدایت قرآن در تمام مسائل مرتبط با حیات - به ویژه مسائلی که در ساختن جامعه و اصلاح سیاست و اقتصاد آن دخیل است - علاوه بر درمان مشکلات و معایب آن، کفایت و صلاحیت قرآن را برای هدایت انسان در دوران جدید اثبات کند. می‌توان ناکارآمدی روش‌های کهن تفسیر در پاسخ‌گویی به نیازهای جدید، دفاع از ساحت دین در برابر اندیشه‌های ضددینی، تأثیرپذیری مفسران از جنبش اصلاح دینی (پروتستانیسیم) در اروپا، جایگاه ویژه قرآن در تفکر اصلاحی مسلمانان و شخصیت اجتماعی مفسران معاصر را به عنوان مهم‌ترین عوامل پیدایش نگاه اجتماعی به قرآن در دوران اخیر دانست. تفسیر المراغی (اثر احمد مصطفی المراغی)، تفسیر فی ظلال القرآن (اثر سید قطب)، تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج (اثر دکتر وهبه زحیلی)، تفسیر ابن بادیس فی مجالس التذکیر من کلام الحکیم الخبیر (اثر عبد

الحمید بن بادیس)، تفسیر القرآن الکریم (اثر محمود شلتوت) و التفسیر القرآنی للقرآن (اثر عبدالکریم خطیب) در بین تفاسیر اهل سنت و تفاسیر المیزان (اثر علامه طباطبایی)، تفسیر من وحی القرآن (اثر سید محمد حسین فضل الله)، الکاشف (اثر محمدجواد مغنیه)، پرتوی از قرآن (اثر محمود طالقانی)، تفسیر نوین (اثر محمدتقی شریعتی)، تفسیر نور (محسن قرائتی) و تفسیر نمونه (اثر ناصر مکارم شیرازی) در میان تفاسیر شیعی نمونه‌های برجسته تفسیر اجتماعی در دوره اخیر شمرده می‌شوند.

جنبه جدید بودن و نوآوری در پژوهش:

۱. در این تحقیق با پژوهشی میان‌رشته‌ای و از نوع تفسیر موضوعی با موضوع و مساله‌ای برون قرآنی روبرو هستیم. جنبه جدید بودن آن از این روست که ماحصل اندیشه بشری در علوم اجتماعی را به نحوی بر قرآن عرضه داشته و دیدگاه قرآن در این زمینه از مجموعه مفاهیم، راهبردها، اندیشه‌ها و حکمت‌های قرآنی به شکل مجموع حاصل می‌گردد.
۲. در این تحقیق ثابت می‌شود که مفهوم تکافل اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه اجتماعی، از دیدگاه قرآن کریم دامنه وسیع‌تر، شامل‌تر و جامع‌تری نسبت به تعاریف نظریه‌پردازان علوم اجتماعی به ویژه نظریه پردازان معروف غیر مسلمان را پوشش می‌دهد.
۳. از دیگر جنبه‌های نوآورانه این پژوهش، بررسی گسترده و عمیق مفهوم تکافل اجتماعی به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم است.
۴. ارائه وجوه تمایز و گستره مفهوم تکافل اجتماعی به عنوان شاخصی قرآنی نسبت به تعاریف مکاتب بشری، از دیگر جنبه‌های نوآورانه این تحقیق است.

روش پژوهش:

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری جهت گردآوری داده‌ها انجام گرفته و مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای است که در آن تلاش گردیده تا به افق تفسیر موضوعی برون قرآنی نزدیک‌تر شود.

مفاهیم:

۱. توسعه:

توسعه، فرایندی است که طی آن قابلیت‌ها یا توانایی‌های بالقوه یک شی یا موجود زنده و پویا تحقق می‌یابد. انسان و مجموعه انسان‌ها دارای توانایی‌های بالقوه ناشناخته بسیاری هستند که در صورت رسیدن به آگاهی از این توانایی‌ها، حرکت و تکاپوی بیشتری برای آنها فراهم می‌آید.

۲. توسعه اجتماعی:

توسعه اجتماعی که تعاریفی گوناگون از آن ارائه شده، در یک معنای موجز، بهتر شدن وضعیت زندگی اجتماعی انسان‌هاست که جنبه‌های مختلفی را همچون بهداشت، درمان، مسکن، جان‌پناه، آموزش، اشتغال، جمعیت و تنظیم خانواده، درآمد ملی و توزیع آن و برنامه‌های تأمین اجتماعی در بر می‌گیرد که شاخص‌هایی است که دولت‌ها ملزم به رعایت آن در برنامه‌های توسعه اجتماعی خویش می‌باشند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴). توسعه اجتماعی دارای اصولی است که مهمترین آنها عبارتند از: شناخت اشتیاق و تمایل ضمیر ناخودآگاه انسان

(اعضای جامعه) در جهت برآوردن نیازهای خویش و بی پایان بودن این تلاش‌ها به خاطر نامحدود بودن استعداد بشری و از این رو توسعه به صورت بالقوه بی پایان است. توسعه به معنای زیست‌شناختی آن، یعنی رسیدن موجود زنده به قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که به صورت بالقوه در وجود خویش دارد. جامعه و به عبارتی اجتماع پدیده‌ای است که مجموعه‌ای از موجودات زنده (انسان) که ابعاد وجودی آن، اعم از توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه او ناشناخته و نامعلوم است را در بردارد. لذا توسعه برای اجتماع تا بی‌نهایت می‌تواند ادامه داشته باشد (پرویز پیران، ۱۳۸۲: ۱۱۷). در یک نگاه کلی می‌توان گفت که توسعه اجتماعی در یک معنای عام می‌تواند به تلاش در جهت به فعل رساندن توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان در حوزه اجتماع باشد. این تلاش در گرو برآوردن نیازهای اولیه اوست که خود معلول توسعه‌های دیگری همچون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است (ریچارد استس، ۱۳۷۹: ۷۸). بنابراین می‌توان گفت که بحث توسعه اجتماعی از مباحثی محسوب می‌گردد که بین رشته‌ای هستند. زیرا علوم مختلف نظیر اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی در مورد آن به بحث می‌پردازند و هر کدام به نوعی در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. مثلا اقتصاددان این امر را در افزایش سطح زندگی به صورت ارقامی چند مورد ملاحظه قرار می‌دهد، در حالی که برای جامعه‌شناس این تمایل، مرتبط با نظامی از ارزش‌ها می‌گردد که دارای کارکرد است. توسعه در حقیقت کوششی است به منظور نیل به تعادلی که تاکنون تحقق نیافته است و یا راه‌حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود داشته و تجدید حیات می‌یابد (روشه، ۱۳۷۶).

برخی توسعه اجتماعی را جریانی چند بعدی می‌دانند که تجدید سازمان و جهت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. ازین رو توسعه به طور همزمان شامل چند امر هماهنگ می‌گردد: بهبود میزان تولید و درآمد، دگرگونی اساسی در ساخت‌های اجتماعی و اداری، تغییر دیدگاه‌های مردم و تغییر مناسب آداب و رسوم (زاکس، ۱۳۷۷: ۱۱۴). در این راستا بعضی از اندیشمندان بر این اعتقادند که: «در توسعه اجتماعی، دگرگونی و تغییر جامعه در کلیت آن مورد نظر است. توجه اساسی بیشتر بر تغییر و بهبود نحوه زندگی و ارزیابی جریان‌ها و تحول اجتماعی است، تا تغییر در یک سازمان و یا نهاد اجتماعی. استراتژی‌های توسعه اجتماعی نیز در جهت بهبود کیفیت زندگی انسانی بوده و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان را مد نظر دارد. از این رو استراتژی‌های توسعه اجتماعی، شامل نیازهای رفاهی، نیازهای فرهنگی، نیازهای روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری و نیاز به رشد و ترقی که در مجموع از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید است، می‌باشد (ازکیا، ۱۳۷۹). برخی دیگر توسعه اجتماعی را اشکال متفاوت کنش متقابل که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد، دانسته و توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی را جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده، قلمداد کرده‌اند (شهادی، ۱۳۶۷: ۶۷). اگر توسعه اجتماعی به معنای گسترده آن مورد نظر باشد دقیقا معادل توسعه همه جانبه خواهد بود ولی اگر جایگاه توسعه اجتماعی در مقابل توسعه سیاسی، اقتصادی و غیره در نظر باشد، باید توسعه اجتماعی را در چگونگی شخصیت فردی، خانوادگی و وجود نهادهای اجتماعی مناسب و تاثیرگذار نظیر آموزش و پرورش، آموزش عالی، تامین اجتماعی و... جستجو کرد. در این معنا، برای تحقق توسعه اجتماعی باید شاخص‌های زندگی و رفاه اجتماعی بهبود پیدا کند (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۱۴). اگر توسعه اجتماعی را متضمن بهبود در شاخص‌های بهبود کیفیت زندگی بدانیم، عدالت اجتماعی به عنوان یکی از محوری‌ترین

ارزش‌ها می‌تواند با ایجاد فرصت‌های مساوی و تضمین دسترسی برابر به امکانات و امتیازات و برخورداری متناسب ملت‌ها از مواهب جامعه و فراهم کردن زمینه شکوفایی استعدادها، مقابله با تبعیض و زیاده‌طلبی و فقر زدایی و تامین زندگی شرافتمندانه برای همه افراد جامعه، مستقیماً در توسعه اجتماعی تاثیر گذار خواهد بود (توسلی، ۱۳۷۳). سیمون کوزنتس نیز یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی را مساوات خواهی می‌داند، بدین معنی که در اصل هیچ تفاوت طبیعی بین افراد جامعه وجود ندارد. حاکمیت اندیشه‌ها و ارزش‌هایی نظیر عدالت اجتماعی و مساوات طلبی می‌تواند بستر مناسبی را برای توسعه اجتماعی در یک جامعه فراهم سازد. در سایه حاکمیت این ارزش‌ها، حاکمان جامعه و دولت‌ها باید زمینه‌های رشد و تعالی را برای همه افراد جامعه تدارک ببینند، آموزش و پرورش که نقش کلیدی در شکوفایی استعدادهای انسانی دارد باید در اختیار همگان قرار گیرد. وضع معیشتی خانواده‌ها باید طوری باشد که مانعی در راه شکوفا شدن استعدادها ایجاد نکند. روح آزادی و آزادی‌خواهی باید در جامعه رواج یابد تا آزاد اندیشی و آزاد زیستی در جامعه نهادینه گردد (نظرپور، ۱۳۷۸).

۳. مفاهیم مشابه توسعه در علوم اجتماعی:

برای مفهوم توسعه در علوم اجتماعی می‌توان چندین مفهوم را دید. مفاهیمی همچون: ترقی، تکامل، تغییر، تحول، رشد، بهبودی، نوسازی، بالابردن، دگرگونی، پیشرفت، رویش، عمران، آبادانی، پیش آمد، رخ داد و... (علی محمدحقیق شناس و همکاران، ۱۳۸۳).

۴. مفهوم و معادل واژه توسعه اجتماعی در قرآن کریم:

از آنجا که اصطلاح توسعه اجتماعی و مفهوم آن از مفاهیم عصری و حاصل از نظریات توسعه همه جانبه در علوم انسانی با پایه متدولوژی تجربی بوده و اصطلاحی جدید است که با این عنوان و عناوین مشابه در قرآن نیامده است و هم از آنجا که سعادت، رشد و پیشرفت بشر در جهت اهداف و غایت خلقت، موضوع هدایت‌های قرآنی است لذا به نظر می‌رسد برای نیل به افکار، اندیشه‌ها و راهبردهای قرآنی در این زمینه، می‌بایست ماحصل اندیشه بشری در علوم مرتبط را به نحوی بر قرآن عرضه داشت که دیدگاه قرآن در این زمینه از مجموعه مفاهیم، راهبردها، اندیشه‌ها و حکمت‌های قرآنی به شکل مجموعی حاصل گردد در این راه با پژوهشی میان رشته‌ای و از نوع تفسیری موضوعی با موضوع و مساله‌ای برون قرآنی روبرو هستیم که با کاربری روش مذکور، تبیینی از مفهوم سازی‌های قرآنی که موضوع تکافل اجتماعی را پوشش داده و شناسایی عناصر و تاسیس‌های قرآنی برای تامین و تحقق تکافل اجتماعی می‌پردازیم. هرچند اصطلاحی تحت عنوان «النمو» یا «التنمیه» به معنای توسعه صراحتاً در قرآن کریم نیامده است، اما با نگاهی عمیق‌تر، واژگان نزدیک به این اصطلاح به وفور در قرآن کریم آمده است. واژگانی همچون: الاعمار (آبادانی)، ابتغاء من فضل الله (به معنای حرکت به سمت جلو و پیشرفت)، السعی به معنای (نوسازی و حرکت)، اصلاح (تمدن سازی و بالابردن)، التزکیه (زیادتی و کثرت کمی و کیفی)، التریبه (رشد و نمو جسمی، عقلی و اخلاقی)، التکثیر او التکثیر (کثرت و پیشی گرفتن و نقیض قلت و کاستی)، البرکه (رشد و نمو و کثرت و زیادت در خیر و سعادت)، الانبات او التنبیت (کاشتن و ارتفاع گرفتن و بلندی و برجستگی)، التثمیر (سرمايه گذاری)، التنشئه (تربیت)، النشور (رستاخیز)، البناء (توسعه و آبادانی)، التغير (تغییر)، و.. (طلال فائق الکمالی، ۱۴۳۵ق: ۲۵۶ و محمدجواد عباس شیع،

یکی از دلایل مهم قرآن کریم از عدم استفاده از واژه «التنمیه» یا «النمو» به معنای توسعه، زهد و امساک از بکارگیری یک واژه نیست بلکه به عکس، قرآن کریم از بکارگیری واژگانی که در ظرف مکان و زمان مورد تاثیر و تغییر قرار می گیرند، همواره امتناع می ورزد و این مجال به دلیل آسمانی بودن این کتاب از یک سو و نیز وسعت دید، جهان شمولی و کامل بودن آن از سوی دیگر است و این از معجزات این کتاب الهی است.

شاخص های توسعه در علوم اجتماعی :

به لحاظ تاریخی، اولین سند مهم سازمان ملل متحد در باب توسعه اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ است. گروهی از کارشناسان درباره تعریف بین المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه اجتماعی، که در آن زمان سطوح زندگی نامگذاری شده بود، گزارش مفصلی را تهیه کرده بودند. شاخصهای این گزارش عبارت بودند از: بهداشت (شامل شرایط جمعیت شناختی)؛ غذا و تغذیه؛ آموزش و پرورش (شامل مواد و مهارت آموزی)؛ شرایط کار؛ وضعیت اشتغال؛ مصرف کل پس اندازها؛ حمل و نقل؛ مسکن (شامل تسهیلات خانگی)؛ پوشاک؛ تفریح و استراحت؛ امنیت اجتماعی؛ آزاد های بشری (پرویز پیران، ۱۳۸۲: ۸۷؛ از کیا، ۱۳۷۹: ۱۱۴). به طور خاص در حوزه توسعه اجتماعی، در دهه اخیر تلاش های وسیعی برای تعیین شاخصی مستقل صورت پذیرفته است. از جمله مهمترین این تلاش ها می توان به گزارش توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶ در کشور هند اشاره کرد. در این گزارش با در نظر گرفتن شش بعد اصلی توسعه اجتماعی، سعی شده تا یک شاخص مرکب از این سازه مفهومی ایجاد گردد. شاخص های توسعه اجتماعی در این گزارش عبارتند از: شاخصهای دموگرافیک (میزان شیوع پیشگیری از بارداری، میزان کلی زاد و ولد، و نیز میزان مرگ و میر نوزادان)؛ شاخص های سلامت (درصد مولید رسمی، و درصد کودکان دچار سوء تغذیه)؛ شاخص های امکانات اساسی (درصد خانوارهایی که مسکن دائمی دارند، درصد خانوارهایی که به آب قابل شرب دسترسی دارند، درصد خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند)؛ شاخص های پیشرفت تحصیلی (میزان سواد، نسبت دانش آموز به معلم، و میزان حضور در مدرسه)؛ شاخص های محرومیت اقتصادی (میزان بیکاری، نسبت جینی برای هزینه مصرفی سرانه). همچنین بر اساس گزارش های سالانه موسسه معتبر لگاتوم و ترکیب آن با داده های نظرسنجی جهانی گالوپ؛ هشتاد و نه متغیر که زیر مجموعه هشت خرده شاخص اقتصاد، کارآفرینی و فرصت، حکمرانی، آموزش، سلامت، ایمنی و امنیت، آزادی فردی و سرمایه اجتماعی مورد سنجش قرار می گیرند. مؤسسه بین المللی مطالعات اجتماعی نیز به عنوان یکی دیگر از موسسات و نهادهایی که تخصص کاری اش در حوزه توسعه اجتماعی است، هر پنج سال گزارشی را با عنوان شاخص های توسعه اجتماعی ارائه می کند و داده های آن را در دسترس عموم قرار می دهد. در این گزارش ها، توسعه اجتماعی در قالب شش شاخص زیر مورد سنجش قرار گرفته است: فعالیت مدنی؛ باشگاه ها و انجمن ها، انسجام درون گروهی، اعتماد و امنیت میان شخصی، برابری جنسیتی و ادغام اقلیتها. (مک فارلند و دیگران ۱۹۹۹: ۲۱۴؛ علی قوتی سفیدسنگی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

شاخص های توسعه اجتماعی در قرآن کریم:

در خصوص شاخص های توسعه اجتماعی اتفاق نظری جامع بین محققان این عرصه وجود ندارد؛ اما اکثر محققان بر اهمیت شاخص هایی همچون: مذهب، آموزش و پرورش، مهاجرت، تحصیلات عالی و ارتباطات تاکید کرده اند. در

حوزه قرآن کریم، مفهوم توسعه به ویژه توسعه اجتماعی نخستین بار توسط مفسران قرآن کریم با گرایش تفسیر اجتماعی ارائه شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۴۵). از طرفی با نگاهی به آموزه های قرآنی می توان شاخص هایی را برای همه ابعاد زندگی بشر پیدا کرد. این شاخص ها و معیارها به انسان نشان می دهد که چگونه راه خود را یافته و میزان رشد کیفی و کمی خود را در تحقق آن ارزیابی و آسیب شناسی کند. شاخص هایی که قرآن برای رشد و توسعه بیان می کند شامل حوزه های انسانی و غیر انسانی است. به این معنا که هم به شاخص های رشد و توسعه انسانی توجه شده و هم به شاخص های رشد و توسعه غیر انسانی که مرتبط با حوزه خلافت انسان در جهان به عنوان خلیفه و آباد کننده است. معیارهای انسانی شامل حوزه های فردی و اجتماعی و همچنین حوزه های فکری، فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و مانند آن بوده و علم و عمل آدمی را در همه ابعاد زندگی در بر می گیرد. نکته اساسی در این شاخص ها این است که دنیا در آن تنها به عنوان مقدمه برای یک زندگی جاودانه ابدی ملاحظه شده است و هرگز اهمیت آن در حدی نیست که اصالت اخروی فدا شود؛ چرا که دنیا به عنوان کشتزاری است که در آخرت محصول آن درو و جمع آوری می شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۶۵). از نظر آموزه های قرآنی، رشد و پیشرفت هر چند که از خود فرد شروع می شود، ولی همواره ناظر به بیرون و جامعه خواهد بود. بنابراین رشد و پیشرفت در فرد می بایست با رشد و پیشرفت در جامعه مورد سنجش قرار گیرد و توسعه کمی آن نیز مورد ملاحظه باشد. (هود/ ۱۶؛ عصر) چرا که در نظام قرآنی، راه نجات از خسران ابدی تنها به رشد درونی با ایمان و عمل صالح و توسعه این رشد و پیشرفت در جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر و تعلیم و تزکیه دیگران است. (همان آیات و نیز حدید/ ۲۵؛ آل عمران/ ۱۱۴؛ توبه/ ۷۱). با توجه به اینکه شاخص های توسعه اجتماعی بر اساس تعاریف اقامه شده برای مفهوم توسعه و بر مبنای دیدگاه های مختلف و همچنین سازمان ها و موسساتی که ارائه گزارش هایی جهانی از توسعه اجتماعی را برعهده دارد متفاوت است اما قدر متیقن وجوه اشتراک عدیده ای میان آنها قابل شناسایی است و از آنجا که دامنه مفهوم و به تبع آن شاخص های توسعه اجتماعی در قرآن کریم گسترده تر است لذا رهیافتهای قرآنی شاخص های مذکور را پوشش داده گرچه برخی را برجسته تر و دارای تاکید بیشتری معرفی می نماید. در بررسی های اولیه شاخص هایی همچون: مشارکت در همه ابعاد آن، مسئولیت پذیری، انفاق در همه ابعاد آن، روح کار جمعی، نظارت عمومی (دو نهاد امر به معروف و نهی از منکر) برخورداری و امثال آنها در قرآن کریم به شکل برجسته تری مورد تاکید است. باید توجه داشت که قرآن کریم برای توسعه اجتماعی هم مفهوم سازی های مختص خود و در رابطه با آن شاخص های نوعی قابل شناسایی ارائه داده است و در راه تحقق این مهم از راهکارها و نهادسازی هایی فرارو قرار می دهد.

تکافل اجتماعی در علوم اجتماعی

بحران ها و تنش های پی در پی اجتماعی در سراسر جهان، ضرورت نگرش ویژه و پرداختن به مقوله مقاوم سازی و تاب آوری در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و .. را سبب شده است. از این رو تاب آوری را می توان ظرفیت تبدیل، تحول، تطبیق، سازگاری و توان مقابله با تنش ها و بحران های اجتماعی نامید. به نحوی که بسیاری از جوامع جهت دستیابی به توسعه و موفقیت، پیاده سازی سیاست های انعطاف پذیر و مقاومتی در برابر تغییرات و آسیب ها را در دستور کار خود قرار داده اند. یکی از این سیاست های بسیار موثر که در هم تنیدگی بسیار بالا با سایر شاخص های

توسعه اجتماعی دارد، بحث تکافل اجتماعی است. در واقع، اساس نظام اجتماعی بر تعاون، همیاری و احسان به یکدیگر نهاده شده است. اصولاً رمز اینکه انسان به جامعه پناه آورده به همین دلیل است که اولاً، به تنهایی قادر نیست نیازهای خود را برآورده کند. ثانیاً، به هنگام بروز خطر یاور و کمک کار داشته باشد. از این رو، همواره در جامعه چنین بوده است که انسان‌ها به هنگام بروز خطر و مشکل به وسیله انواع و اقسام راهبردها و سیاست‌های گوناگون از یکدیگر حمایت می‌کردند. بنای عقلا در طول تاریخ چنین بوده و دولت‌ها با برنامه‌ریزی، هدایت، سامان‌دهی، و اختصاص منبع خاص، موضوع تکافل و خدمات اجتماعی و به طور کلی، ایجاد رفاه را جزو وظایف و کارکردهای خود به شمار آورده‌اند. اسلام نیز به عنوان یک دین کامل و جامع که هم برای نیازهای مادی انسان و هم برای نیازهای معنوی او برنامه دارد، نه تنها با بسیاری از این برنامه‌های عرفی و عقلانی مخالفتی نکرده است، بلکه بسیاری از آنها را با اعلان وجوب یا استحباب جزو وظایف همه افراد جامعه و حکومت قرار داده است (حاج حسینی، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

تکافل اجتماعی در قرآن کریم

تعریف تکافل اجتماعی:

برای ماده «کفل» اشتقاقات بسیار و معانی متعددی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. «کفل» به معنی دو چندان، و بهره، آمده است، چنانکه خداوند عزوجل می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ (۲۸/۵۷) ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید، و به پیامبر او ایمان آورید، تا خداوند دو بهره از رحمت خویش را به شما دهد. منظور از «کفلین» در این آیه دو بهره و پاداش است، یکی بهره ایمان به عیسی (ع) و دیگری بهره ایمان به محمد (ص) و باز می‌فرماید: وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا (۸۵/۴) و هر کس (در میان مردم) واسطه‌گری کند، واسطه‌گری بدی برای او دو چندان (وبال) است.

۲. «کفیل» به معنی شاهد و رقیب آمده است، چنانکه خداوند می‌فرماید: وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا (۹۱/۱۶) در حالیکه شما خدا را بر خودتان و نگاهبان قرار داده اید. گاهی نیز (کفیل) به معنی ضامن، آمده است.

پس، از این مشتقات لغوی، نتیجه می‌گیریم که معنی اصطلاحی دو کلمه «تکافل اجتماعی» عبارت است از: افراد جامعه همدیگر را سرپرستی و ضمانت کنند، و در آنچه که در اختیار دارند به همدیگر کمک و مساعدت نماید؛ حاکم باشد یا رعیت، بگونه‌ای که همه با اتفاق نظر دارای یک تصمیم باشند، چه تصمیم ایجابی، مانند سرپرستی نمودن یتیمان، و کمک به فقیران، و... و یا تصمیم سلبی باشد، مانند تحریم احتکار و جلوگیری از غش و خیانت و... آنهم با سلاح احساس عمیق وجدانی که از اصل عقیده اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تا اینکه فرد در تحت کفالت جامعه و جامعه نیز با احساس مسئولیت در برابر فرد زندگی کنند؛ بگونه‌ای که تمام افراد، برای جامعه برتر و جهت دفع ضرر و زیان از افراد خود و برای جلب منافع مشترک، همدیگر را ضمانت کفالت نمایند، و این همان معنایی است که خداوند در قرآن کریم برای واژه «تکافل» مقرر فرموده است. آنجا که می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (۲/۵)

همدیگر را در راه نیکی و پرهیزگاری یاری و پشتیبانی کنید، و همدیگر را در راه دشمنی و ستمکاری، یاری و پشتیبانی مکنید.

برداشت عام از معنی تکافل اجتماعی:

عده ای گمان می برند که نظام تکافل در اسلام تنها نسبت به ضمانت امور ضروری و حیاتی فرد و جامعه کوتاهی ورزیده است و بیشتر بر جنبه های مشخصی از نیکی و احسان و صدقه و انفاق برای گروهی از فقراء و افراد نیازمند و ناتوان تکیه می کند؛ اما حقیقتی که انکار ناپذیر می باشد این است که مفهوم تکافل در اسلام عامتر و وسیع تر از آن چیزی است که این عده تصورش را نموده اند؛ چراکه تکافل از دیدگاه اسلام شامل امور زیر می باشد: (مطهری، ۲۱۵:۱۳۸۴):

۱. پرورش عقیده و ضمیر فرد و تکوین شخصیت و سلوک اجتماعی او.
۲. ارتباط خانوادگی و تنظیم مسائل مربوط به آن و تکافل و همکاری یکدیگر.
۳. تنظیم و برنامه ریزی ارتباط اجتماعی از قبیل ارتباط فرد با دولت، دولت با جامعه و همچنین ارتباط خانواده با خویشاوندان و روابط مردم با همدیگر.

۴. تنظیم معاملات مالی و پیوندهای اقتصادی و ضوابط اخلاقی.

به طور اختصار می توان گفت که نظام تکافل در اسلام تقریباً تمام مسائل اسلام را در بر می گیرد زیرا هدف تکافل همان اصلاح اوضاع و احوال مردم می باشد تا اینکه در خود با حالت امنیت و آرامش کامل بر مبنای عقاید خود و متکی بر خود و مسلط بر اموال و حیثیت خود و .. به سر برند تا اینکه ضمانات و ثبات و پایداری و تعهد اسباب زندگی برتر و گوارا برای ایشان تحقق پذیرد. سید قطب در رابطه با مفهوم تکافل می گوید: « بی گمان نظام تکافل اجتماعی در اسلام با توجه به تمام معانی واژه تکافل یک نظام کامل می باشد. گاهی مدلولات و مفاهیم احسان و صدقه و هر آنچه شامل نیکی می شود داخل عناصر نظام تکافل اجتماعی در اسلامی می گردد، اما خود واژه تکافل بر حقیقت نظام اسلامی دلالت نمی کند، زیرا حقیقت و مفهوم نظام اسلام بسی و وسیع تر از تمام معانی تکافل می باشد (سید قطب، ۱۴۰۳: ۲۱۵). در واقع تمام این مدلولات و مفهومات، بعضی از وسائل نظام اسلام می باشند نه خود نظام، زیرا وسیله، غیر از ماهیت است و بدیهی است آنطوری که کلمات ضمانت اجتماعی، مجرد مساعدتها و کمکهای مالی را در بر میگیرند نظام تکافل اجتماعی در اسلام در بر نمی گیرد، بخاطر اینکه مساعدتها مالی به هر شکل و طریقی که باشد تنها یکی از مساعدتهائی است که تکافل در اسلام آن را در نظر می گیرد. بدرستی اسلام اجتماعی خواسته است که نظامی باشد برای تربیت روح فرد و پرورش ضمیر و سلوک اجتماعی او و نظامی باشد جهت تکوین خانواده و استقرار تنظیم و تکافل آن، و نظامی باشد برای پیوندهای اجتماعی _ پیوندی که فرد را به دولت مرتبط می سازد _ و همچنین اسلام اجتماعی خواسته است که در نهایت نظامی باشد برای آنگونه معاملات مالی و ارتباطات اقتصادی که جامعه اسلامی را بهره مند می سازد (عبدالله علوان، ۱۹۹۵: ۲۴۵).

تعاون روی دیگر تکافل

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید» (مائده/۲). بدون تردید، در هر جامعه‌ای افراد نیازمند، فقیر و محروم وجود دارند. کسانی که یا توان کار و کوشش ندارند و یا درآمدشان به اندازه‌ای نیست که تمام مخارج و هزینه‌هایشان را تأمین نماید. به دلیل آن که در بینش اسلامی، همه افراد بندگان خداوند و تمام ثروت‌ها نیز متعلق به او است، نیازمندی‌های این گونه افراد در حد ممکن و مورد قبول باید تأمین شوند. این مسئله به خوبی ضرورت تعاون و یاری به هم‌نوعان را در جامعه به اثبات می‌رساند. روشن است که اگر در میان افراد یک جامعه روحیه تعاون حکومت کند، زمینه برای پیشرفت مادی و معنوی آن جامعه فراهم می‌شود و تعاون و هم‌کاری بستر مناسبی برای ترقی و تعالی و شکوفایی همه جانبه آن جامعه می‌گردد. بدین گونه اسلام کارهای دسته جمعی را بر کارهای فردی ترجیح می‌دهد؛ چون کارهای دسته جمعی از اتقان و استحکام بیشتری برخوردار است و از جمع شدن نیروهای افراد، نیروی عظیمی فراهم می‌آید که هر کار مشکلی را آسان می‌سازد. معاونت و شرکت فعالانه و مخلصانه در کارهای نیک و مفید اجتماعی، بر هر فرد مؤمن لازم و واجب بوده و کسی که نسبت به پیشرفت امور اجتماعی مسلمانان و حتی پیشرفت کار یک مسلمان، حساس نباشد و تنها به فکر خویشتن باشد، مضمون آیه تعاون را نادیده گرفته است. البته، منظور آیه شریفه، آن نیست که هر کس به تشخیص خود، در رتق و فتق امور مسلمانان دخالت کند؛ زیرا رتق و فتق امور، در حیطه اختیارات حاکم اسلامی است و اگر فرد مسلمانان هر یک به تشخیص خود مصلحت اندیشی کنند و بخواهند عقیده خود را به کرسی بنشانند، موجب هرج و مرج خواهد گشت. این نکته نیز قابل توجه است که تعاون در مورد کارهای نیک و پسندیده و مفید به حال مردم و اجتماع، مورد نظر اسلام است، اما کارهایی که باعث ترویج فساد و باطل گردد و براساس گناه باشد، نه تنها همکاری در آنها مطلوب نیست که از آن نهی هم شده است و در آیه مورد بحث مسلمانان از هم‌کاری درباره گناه و دشمنی برحذر داشته شده‌اند.

از سوی دیگر مشارکت و تعاون اجتماعی از نظر قرآن محدود به پرداخت پول و صدقه به فقرا و مساکین نیست، بلکه به عنوان یک اصل کلی دایره وسیعی دارد که مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و... را در بر می‌گیرد. به عنوان نمونه، هم‌کاری با افراد و نهادهایی که در فراهم نمودن زمینه‌های ازدواج و تشکیل خانواده جوانان در تلاش‌اند یکی از مصادیق بارز تعاون اجتماعی است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بیناز می‌سازد، خداوند واسع و آگاه است» (نور/۳۲). یکی از مبانی و فلسفه‌های تعاون و مشارکت پذیری اجتماعی از نگاه قرآن کریم، تعلق اموال و مواهب الهی به جامعه و مردم است: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ و زمین را برای مردم نهاد» (رحمن/۱۰). همچنین اموالی که در اختیار ما قرار دارد، در اصل از آن خدا است: «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ؛ و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید» (نور/۳۳). همچنین از دیگر دلایلی که تعاون در کارهای خیر را بر ما لازم می‌کند، مساله برادری اسلامی است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ در حقیقت مؤمنان با هم برادرند» (حجرات/۱۰). مسلمانان از آن نظر که با هم برادرند، نسبت به یکدیگر حقوقی

دارند و این همان قول حضرت امام صادق علیه السلام که فرمود: «فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينَ فَإِنَّ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا؛ خدا را در نظر داشته باشید در مورد برادران فقیر مسلمانان؛ چراکه آنان بر شما حقی دارند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۵). در قرآن کریم و منابع حدیثی فراوان نسبت به برادران دینی سفارش شده است. این سفارش به حدی جدی است که قرآن کریم در اموال و سرمایه‌های توان‌گران سهمی برای تهیدستان در نظر گرفته است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود» (ذاریات/۱۹). بنابراین، اگر توانگران بخشی از اموال خود را به تهیدستان و افراد ناتوان می‌دهند، در واقع حق و سهم آنها را پرداخته‌اند.

مبانی تکافل اجتماعی در قرآن و روایات:

لزوم تکافل اجتماعی در جامعه اسلامی، مبتنی بر آیات قرآن کریم و نیز روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است که به برخی از این آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

الف. مبانی قرآنی تکافل اجتماعی:

۱. در آیه «ما افاء الله على رسوله من اهل القرى فله ول للرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب» (حشر/۳)؛ آنچه را که خدا از اموال کافران دیار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و (ائمه) خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان است. این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد (و شما آنچه رسول حق دستور دهد) و منع یا عطا کند (بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است). حفظ تعادل در جامعه از جمله وظایف حاکم اسلامی است که این میسر نیست مگر با وضع قوانینی که موجبات توزیع عادلانه ثروت و نیز توجه به نیازمندان با اجرای تکافل اجتماعی می‌شود. این آیه شریفه بیانگر این است که توازن و توزیع ثروت - به شکلی که تمامی نیازهای مشروع جامعه را در برگیرد - و عدم تمرکز آن در دست عده معدودی از افراد جامعه، از جمله اهداف قانون گذاری اسلامی به شمار می‌رود. بر این اساس ولی امر، به منظور ایجاد تعادل اجتماعی در زمینه توزیع ثروت به وضع قوانینی می‌پردازد تا به این وسیله مانع تمرکز آن بین افرادی خاص شود (صدر، ۱۳۸۷: ۶۳؛ اردشیر فتحعلیان، عبدالجبار زرگوش نسب، کریم کوخانی زاده؛ ۱۴۰۱). شهید صدر یکی از اهداف تشریح «فیء» را کمک به فقراء و ایجاد توازن و تعادل اقتصادی در جامعه بر شمرده است (صدر، ۱۳۸۷: ۶۸) عموم مردم در منابع طبیعی و عمومی و این که چه اقشاری از آن بهره‌مند خواهند شد به خوبی در این آیه نمایان است و خداوند متعال تکلیف حاکم اسلامی در قبال ناتوانان و نیازمندان جامعه را مشخص نموده است. از این آیه قرآن کریم، اصلی که اندیشه تامین اجتماعی یعنی همان حق همگانی مردم در ثروت بر آن استوار است، قابل استنباط است. این آیه شریفه بیانگر حق همه مردم در بخش عمومی و ممانعت از انباشته شدن ثروت در دست عده ای خاص و از طرفی تاکید بر تسلط دولت بر این منابع عمومی جهت رعایت منافع در ماندگان و فقرای جامعه است (صدر، ۱۳۸۷: ۹۴) بنابراین با کمک به فقراء و نیازمندان جامعه از طریق منابع عمومی، راه گردش ثروت در دست عدهای خاص مسدود و همانطور که بیان شد، توازن در جامعه شکل می‌گیرد و فقیران احساس می‌کنند

که حکومت اسلامی برای حیات آنان ارزش قائل است. از طرف دیگر این امر، شکاف طبقاتی در جامعه را کاهش خواهد داد.

۲. آیه «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره / ۷۱). هر چه را در زمین است، برای همه شما آفرید. عموم مردم در ثروتهای خدادادی سهم و به نحوی شریک هستند. حاکم اسلامی با تدوین و تنظیم قوانینی باید راه برای استفاده صحیح و عادلانه مردم فراهم سازد، تا افراد جامعه با بهره‌گیری از منابع عمومی برای خود کسب و کاری فراهم و زندگی را با آسودگی خاطر سپری نمایند. از طرف دیگر گاه‌آ اتفاق می افتد که عده ای توان استفاده از منابع عمومی را نداشته و در کسب در آمد ناتوانند که در اینجا وظیفه حاکم اسلامی است که با تحت تکفل قرار دادن آنان، عدالت اجتماعی را معنا بخشد. هریک از افراد جامعه در بهره وری از ثروت های طبیعی و برخوردارى کریمانه از آن ها ذیحق می باشند. هریک از افراد جامعه که قادر باشند در یکی از بخش های عمومی و خصوصی کاری انجام دهند، دولت موظف است زمینه کار را در حدود صالحیت خود برای آنها فراهم سازد. اما کسی که زمینه کار برایش فراهم نشد، یا امکان انجام آن را نداشته باشد، دولت وظیفه دارد حق وی در استفاده از ثروتهای طبیعی را با فراهم ساختن سطح کافی زندگی کریمانه تضمین سازد ((صدر، ۱۳۸۷: ۸۸)). بنابراین تضمین زندگی شرافتمندانه با فراهم نمودن زمینه کار و نیز کمک به افراد ناتوان از جمله برنامه های دولت در اداره جامعه اسلامی است. کمک به افراد ناتوان و نیازمند بنا به گفته شهید صدر نه در سطح گذران و امرار معاش بلکه باید در سطحی کافی و آبرومندانه باشد که شهید صدر به این مهم در دیگر آثار خود اشاره و فرموده است: این مسئولیت، تنها شامل نیازهای حیاتی نمی شود، بلکه دولت باید به عنوان یک وظیفه، سطح معیشت افراد نیازمند جامعه را تا حد معمول جامعه ارتقاء دهد (صدر، ۱۳۸۷: ۱۰۴). بنابراین با استناد به آیاتی از قرآن کریم از جمله دو آیه فوق الذکر، تکافل اجتماعی نه تنها به عنوان یکی از برجسته ترین شاخص های توسعه اجتماعی مطرح شده بلکه به عنوان یکی از مهمترین وظایف حکومت اسلامی قلمداد شده که حق افراد جامعه بوده و ولی امر جهت تحقق این امر باید برنامه ای را تدوین و اهتمام لازم را مبذول دارد تا افراد، عدالت را به عینه نظاره گر و با تمام وجود احساس کنند.

۳. آیه «انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ (حدید / ۰۷)؛ از آن مال که شما را در آن جانشین قرار داد، انفاق کنید. در این آیه خداوند به صراحت به انفاق بخشی از مال دستور داده که انفاق بخشی از مال به نیازمندان، موجبات توازن در جامعه و به دنبال آن تکافل اجتماعی را محقق خواهد ساخت

۴. آیه «و آتوهم من مال الله الذی آتاکم (نور / ۷۷) و از آن مالی که خدا به شما ارزانی داشته است، به آنان بدهید. آیه شریفه بیانگر این است که اولاً: مال و ثروت شما از آن خداوند است. ثانیاً: خداوند دستور می دهد از آن مال به فقرا کمک شود. قطعاً کمک به فقراء و نیازمندان زمینه تعادل اجتماعی را فراهم می سازد.

۵. آیه «الله الذی خلق السماوات و الارض و انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم و سخر لکم الفلک لتجرى فی البحر بامرہ و سخر لکم الانهار و سخر لکم الشمس و القمر دائبین و سخر لکم اللیل و النهار و آتاکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم کفار» (ابراهیم / ۷۷-۷۴). این آیات شریفه به دو انحراف اشاره دارد: یکی ظلم و دیگری کفران نعمت. مقصود از ظلم در آیه شریفه، توزیع ناعادلانه و نابرابری در فراهم ساختن این

نعمت‌ها برای افراد جامعه و مراد از کفران نعمت، تعلق جامعه در استفاده از نیروهای خدادادی جهان و نعمت‌های گوناگون آن است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۱۵). بنابراین انفاق از مال خود در اجرای عدالت در توزیع از جمله مسئولیتهایی است که در راستای تحقق تکافل اجتماعی و به دنبال آن عدالت اجتماعی به عنوان یک وظیفه بر عهده فرد مسلمان است که باید با حمایت و تدبیر حکومت اسلامی انجام گیرد.

خداوند در قرآن کریم جهت تحقق عدالت و توازن اجتماعی و به عبارتی دیگر توجه به تکافل و دستگیری از فقراء، امت مسلمان را به انفاق و کمک به نیازمندان، ترغیب و تشویق نموده و برای انفاق کنندگان پاداشی اخروی در نظر گرفته است: **الف:** «و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه» (سبا / ۷۱) و اگر چیزی انفاق کنید، عوضش را خواهد داد.

ب: «من جاء بالحسنه فله عشر امثالها» (انعام / ۶۱) هر کس کار نیکی انجام دهد، پاداش او ده برابر است

ج: «ان تقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعفه لکم» (تغابن / ۷) اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما دو برابر می‌کند.

د: «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبه انبت سبع سنابل فی کل سنبله مئه حبه و الله یضاعف لمن یشاء و الله واسع علیم» (بقره / ۷۶) مثل کسانی که مال خود را در راه خدا می‌بخشند، مانند دانه‌های است که هفت خوشه برآورد و هر خوشه‌های صد دانه داشته باشد. خدا پاداش هر که را که بخواهد چند برابر مینماید. خدا گشایش دهنده و دانا می‌باشد.

از آیات فوق استفاده می‌شود که اسلام نسبت به صحنه زندگی دنیوی، دیدگاه جدیدی ارائه نموده است. به جای جاودانگی مال و ثروت، از جاودانگی عمل سخن به میان آورده است. اسلام دید انسان را نسبت به انفاق و کمک به فقراء تغییر داده‌است به گونه‌ای که چنین انسانی بقاء و جاودانگی خود را در عمل صالح می‌بیند نه در اندوختن مال و ثروت. بنابراین ترغیب مسلمین به انفاق مال برای کمک به معیشت نیازمندان، آن هم نه فقط در حد رفع نیازهای اولیه بلکه ارتقاء سطح معیشت آنان هدفی جز کاهش فاصله طبقاتی و تکافل و همیاری همگانی نخواهد داشت. جلب توجه مسلمانان به پاداش اخروی و فانی بودن مال و ثروت و از طرفی بقاء عمل نیک (در قالب انفاق به محرمات) برای ترغیب و تشویق آنان به مشارکت در تکافل همگانی و به عنوان عبادت به آن نگاه کردن است.

ب. مبانی روایی تکافل اجتماعی:

بدون شک یکی از منابع تامین تکافل اجتماعی، زکات و خمس است. با استناد به روایاتی از معصومین علیهم السلام چگونگی استفاده از این دو واجب مالی را برای اجرایی شدن تکافل و برقراری عدالت تشریح می‌شود.

۱. از ابوبصیر روایت شده که امام صادق (ع) در مورد کسی که پرداخت زکات بر او واجب است و او ثرتمند نیست، سخن گفت و فرمود: آن زکات، باعث بهبودی وضع خوراک و پوشاک خانواده اش می‌شود و چیزی از آن را کنار می‌گذارد تا به دیگران بدهد و هرچه زکات بگیرد خرج خانواده اش می‌کند تا وضع آنان را به سطح مردم ارتقاء دهد. (صدوق، ۱۴۰۷، ۷، ۷۴). در این روایت هدف از دادن زکات به فقیر و نیازمند نه تنها تامین نیازهای اولیه زندگی بلکه ارتقاء سطح زندگی او بیان شده که این امر توازن و عدالت اجتماعی مد نظر اسلام را در پی خواهد داشت.

۲. از اسحاق بن عمار روایت شده است: به امام صادق(ع) عرض کردم: می توانم از زکات هشتاد درهم به کسی پرداخت کنم؟ فرمود: آری؛ و بیشتر هم بده. گفتم: می توانم به او صد درهم بدهم؟ فرمود: آری؛ اگر می توانی بی نیازش کنی، این کار را انجام بده (طوسی، ۱۴۰۵، ۴: ۲۱۴). در این روایت حد پرداخت زکات را رفع نیاز فرد بیان کرده لذا استنباط این است که هدف تکافل اجتماعی یک حد معین از رفع نیازها نیست؛ بلکه متناسب با شرایط جامعه و سطح معیشت افراد باید فقراء را تحت تکافل و حمایت قرار داد.

۳. از حماد بن عیسی روایت شده که امام موسی بن جعفر(ع) در حالی که مورد سهم یتیمان و فقیران و در راه ماندگان از خمس سخن می گفت - فرمود: حاکم طبق کتاب و سنت، آن قدر میانشان مال تقسیم می کند که یک سال را با بی نیازی بگذرانند، اگر از آن مال چیزی اضافه بیاید، از آن حاکم می باشد. اما اگر آن مال (خمس) برای رفع نیاز آنان کافی نبوده و یا کم باشد، وظیفه حاکم این است که از اموال دیگری که در اختیار دارد چنان به آنها بدهد تا نیازشان برطرف گردد (کلینی، ۱۳۹۸، ۳: ۴۱۷). بر اساس روایات فوق، تامین معیشت نیازمندان به گونه ای که همسطح عموم باشد، یکی از مهمترین وظایف حاکم اسلامی دانسته شده و تعبیر مختلف این احادیث همگی یک هدف را دنبال می کنند و آن فراگیر ساختن غنا و بی نیازی به مفهوم اسلامی آن و ایجاد توازن اجتماعی به عنوان یکی از ارکان تکافل می باشد. از دیدگاه اسلام، فقر در همه اوضاع و احوال دارای مفهومی مطلق و معنایی ثابت نیست؛ مثلاً نگفته است: فقر یعنی این که فرد توانایی تامین ساده و حداقلی نیازهای اساسی را نداشته باشد؛ بلکه همان طور که در احادیث بیان شده است، از نظر اسلام، فقر به معنای قرار نداشتن فرد در سطح معیشت عمومی مردم است. بنابراین، گسترش مفهوم فقر با بالا بودن سطح معیشت در جامعه رابطه مستقیم دارد (صدر، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

بنابراین ولی امر در حکومت اسلامی یکی از مصارف زکات را باید ارتقاء سطح معیشت مستمندان قرار دهد و برای تحقق این امر، حد و مرزی در اعطای زکات به فقراء وجود ندارد. برخی بزرگان حتی فراتر از مصرف زکات برای فقراء با استناد به روایتی از امام موسی بن جعفر(ع) که می فرماید: بر ولی امر مسلمین وظیفه دارد در صورت کافی نبودن زکات، فقرا را نزد خود به اندازه گنجایش آن ها تا سرحد بینیزی وسعت بخشد (حر عاملی، ۱۴۰۴، ۱، ۷۶۶) با توجه به عبارت «از نزد خود» در روایت، وظیفه ولی امر را رفع مشکل فقراء با تمام امکاناتی که در اختیار دارد، می دانند که نباید فقط به موارد نه گانه زکات اکتفا کند. با توجه به روایت فوق، بر ولی امر لازم است تا نسبت به یک هدف ثابت که بی نیازی آن هم در سطح قابل قبولی برای همه افراد جامعه اسلامی است، اقدام نماید. صورت کامل اقتصاد جامعه اسلامی از این نگاه زمانی میسر است که عناصر متغیر و پویا در کنار عناصر ثابت قرار می گیرند تا با کمک هم عدالت اسلامی را مطابق با آن چه که خداوند خواسته است، محقق سازند (صدر، ۱۳۸۷: ۱۳۷). بنابراین وظیفه ولی امر جهت تحقق عدالت و تحت تکفل قرار دادن افراد نیازمند که به عنوان یک وظیفه در شرع از آن یاد شده امری مسلم و تامین نیازهای افراد تحت تکفل با منابعی که در اختیار حاکم اسلامی است، در روایات به عنوان یک وظیفه تلقی شده است. چنانکه امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا (ص) در خطبه اش فرمود: «من ترک ضیاعاً فعلی ضیاعه - و من ترک دیناً فعلی دینه و من ترک مالاً فاکله» هر کس خانواده نیازمندی بر جای گذارد، من وظیفه دارم که از آن مراقبت کنم، هر که دینی از خود بگذارد، من موظف به ادای آن هستم. هر که مالی را بر جای نهد، من مستحق تصرف

در آن هستم (حر عاملی، ۱۴۰۴، ۱، ۷۷۵) یا در روایت موسی بن بکر آمده که امام کاظم (ع) به وی فرمود: «من طلب هذا الرزق من حله ليعود به على نفسه و عياله كان كالمجاهد في سبيل الله عزوجل فان غلب عليه فليستدن على الله و على رسوله ما يقوت به عياله فان مات و لم يقضيه كان على الامام قضاوه فان لم يقضه كان عليه وزره» هر کسی که در طلب روزی خدا از راه حلال باشد تا با آن، معیشت خود و خانواده اش را تأمین کند، مانند مجاهدی است که در راه خدا مجاهدت کند. اگر در این راه موفق نبود، باید به امید به خدا و رسولش به اندازه ای که زندگی خانواده اش را تأمین سازد، وام بگیرد. اگر وی بمیرد و نتواند آن وام را بپردازد، امام وظیفه دارد آن را ادا کند و اگر امام از پرداخت این دین شانه خالی کند، گناهش بر دوش او خواهد بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۵). بنابراین تلاش حاکم اسلامی برای اجرایی کردن تکافل که خود عدالت اجتماعی را در پی خواهد داشت، یک وظیفه خواهد بود که این وظیفه جنبه معنوی و الهی در آن کاملاً مشهود است. لذا توازن اجتماعی که در روایات بر آن تأکید شده ضروری و لزوم آن ناشی از این است که این امر از یک سو قابل تحقق و از سوی دیگر لازمه بقاء و استمرار حیات اجتماعی است.

ج: مبانی عقلی تکافل اجتماعی:

جامعه ای که به همدیگر کمک می کنند و در میان افراد آن تکافل و همکاری کامل تحقق می پذیرد و در سطح جامعه احساس محبت و برادری و ایثار و نوع دوستی حکمفرما باشد، بدون تردید چنین جامعه ای به قلعه ای محکم و استواری می ماند که نه عوامل مخرب در آن اثر می کند و نه مصیبت ها و آفت های روزگار آن را متزلزل می سازد. آنچه که جای انکار نمی باشد این است که باید به ملت توجه شود و برای هر فردی از افراد آن پایین ترین حد زندگی تأمین گردد، بگونه ای که غذا و مسکن مناسب و اسباب و لوازم تعلیم و تربیت و وسائل بهداشتی و سایر ضروریات زندگی آنان فراهم شود، زیرا وقتی که از تمام افراد جامعه دفع زیان و ضرر شود و نیازهای نیازمندان برآورده گردد و مسکن و غذای آنان تأمین شود و همچنین وسائل تعلیم و تربیت و لوازم بهداشتی و درمانی ایشان فراهم گردد، مسلماً چنین جامعه ای در یک امنیت کامل و آرامش خاطر به سر می برند و دارای سعادت و رفاه و زندگی ایده آل می باشند. در غیر این صورت افراد جامعه به کارهایی روی می آورند که حتماً نتایج شوم و ناپسندی به دنبال خواهد داشت و چه بسا در مواردی نیز منجر خودکشی و انتحار و یا موجب ارتکاب جرائم و روی آوردن به اعمال پست و ایجاد لانه های فساد می گردد. به عبارت دیگر جامعه گرفتار سقوط اخلاقی و اجتماعی می شود و سرانجام در معرض شکست و نابودی قرار می گیرد. بی گمان اسلام به وسیله قانون عالی و مبادی جاودانه اش مشکل فقر و بی نوایی را با راه حل عملی مشروع برطرف نموده و می نماید، تا اینکه برای تمام افراد جامعه زندگی شرافتمندانه و آینده بهتر تحقق پذیرد و به طور کلی مسأله فقر و جهل و بیکاری و بیماری پایان پذیرد و تا اینکه با وسائل مثبت متکامل، سعادت فرد، و تأمین ضروریات خانواده و سلامتی و رفاه جامعه و احساس مسئولیت دولت تحقق پذیرد.

نهادسازی، راهکاری قرآنی برای تحقق تکافل اجتماعی:

از نظر جامعه‌شناسان نهاد برای پاسخگویی به یک نیاز یک نهاد ساخته می شود و یک مشترک لفظی است میان عناصر ساخت یک نظام اجتماعی و نیز مجموعه‌ای از فرآیندها و روش‌ها که در جامعه وجود دارند (محمدجواد ایروانی، ۱۳۷۷). بدیهی است که با تکامل نظام مفاهیم و واژگان موجود در ارتکازات روزمره جامعه و ارتقای

گفتمان‌های حاکم بر آن، نظام ارزشی جامعه دائماً در حال تغییر و تکامل باشد. این تکامل معنایی و گفتمانی در زمان‌هایی به اوج خود رسیده که متناظر با واژه‌سازی‌های صورت گرفته، قرآن کریم توانسته است برای تعیین اجتماعی ارزش‌هایی که واژگان مذکور از آنها نمایندگی می‌کنند و بسط و فراگیری آنها در تمام گستره جامعه اسلامی به نهادسازی دست بزند. قرآن کریم در حوزه توسعه اجتماعی و در پاسخگویی به نیازهای جامعه، از حد تبیین مفهوم و شاخص گذاری اجتماعی فراتر رفته و به نهادسازی پرداخته است. مانند: نهاد امر به معروف و نهی از منکر، نهاد قرض الحسنه، نهاد اصلاح ذلالت البین، نهاد خمس، نهاد زکات، کلان نهاد انفاق و... به عنوان نمونه می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند» (آل عمران/۱۰۴). این آیه صراحتاً به نهادسازی اشاره نموده و به تشکیل نهاد امر به معروف و نهی از منکر دستور داده است. صاحب مجمع البیان واژه «وَلْتَكُنْ» را به معنای «باید باشد» آورده است (طبرسی، ۱۳۶۰). در تفسیر نمونه آمده است: «آیه فوق دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشد که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند: مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند، و از بدی‌ها باز دارند. و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است» (ناصر مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ۲۱۵). همچنین صاحب تفسیر اعراب القرآن وجود حرف «لام» بر فعل مضارع را به معنای امر می‌داند و در بیان اعراب این واژه می‌گوید: «و تکن فعل مضارع ناقص مجزوم بلام الأمر» (محبی الدین درویش، ۱۴۱۵ق: ۲۱۴). بنابراین قرآن کریم از بحث‌های مفهومی و شاخص گذاری فراتر رفته بلکه متناسب با نیازهای جامعه، نهادسازی‌هایی را انجام داده که این نهادها، هم خود هم به عنوان یک شاخص توسعه اجتماعی تلقی می‌شوند و هم بستر تحقق سایر شاخص‌ها هستند؛ به این معنا که برای تحقق شاخص فقر زدایی کلان نهاد انفاق را آورده و چند نهاد دیگر همچون: نهاد خمس، نهاد زکات و... را به عنوان زیرمجموعه آن آورده است که این نهادسازی یکی از مراحل پیشرفته در تحقق توسعه اجتماعی است. پس قرآن کریم از مرز و مفهوم شاخص گذاری فراتر رفته و عملیاتی کردن این شاخص‌ها در جامعه را برنامه ریزی کرده و نهادسازی نموده است. همچنین به عنوان نمونه دیگر، می‌توان از نهاد بسیار موثر و مهم «قرض الحسنه» نام برد. آیات فراوانی بر این امر مهم سفارش نموده‌اند. به عنوان مثال قرآن کریم از قرض الحسنه به عنوان عامل مهم بهره‌های دنیوی و اخروی و موجب ازدیاد مال و ثروت یاد کرده است و می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او بازگردانده می‌شوید» (بقره/۲۴۵). بر اساس آیه دیگری، قرآن کریم از نهاد قرض الحسنه به عنوان عامل از بین رفتن گناهان یاد می‌کند. «وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا كُفْرَانَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ؛ وام نیکویی به خدا بدهید قطعاً گناهانتان را از شما می‌زدایم» (مائده/۱۲). از آنچه آمد می‌توان چنین نتیجه گرفت که علاوه بر شاخص‌هایی که علوم اجتماعی بر شمرده است، در قرآن کریم با شاخص‌هایی روبرو هستیم که یا صراحتاً و یا استنباطاً قابل دریافت هستند.

جامعه هدف تکافل اجتماعی در قرآن کریم:

بهره‌مندی از تکافل اجتماعی اختصاص به قشری از اقشار و یا گروهی خاص از جامعه را ندارد بلکه در این فرآیند بناست تمامی جامعه بهره‌برده و در نقطه تعادل و توازن قرار گیرد. در عین حال برزخی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه به شکل برجسته مورد توجه و اشاره قرآن کریم و تشریح اسلامی قرار گرفته‌اند که در واقع جامعه هدف اولیه نظام تکافل اجتماعی را تشکیل می‌دهند که می‌توان از این موارد نام برد: آیه ۷۰ سوره توبه زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است! ایتم (آیه فی‌ء) مساکین ابن السبیل (حشر/۷) انفال/۴۱) بد سرپرست و بی سرپرست و زنان مطلقه، مسکین و یتیم و اسیر (انسان/ ۸ و ۹).

نتیجه‌گیری:

نظامات زندگی در هر جامعه‌ای به منظور پاسخ‌گویی به نیازها و متناسب با مبانی اعتقادی و ارزش‌های فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرند. موفقیت و پایداری این نظام‌ها بیش از هر چیز دیگری در گرو سازگاری مبانی آنها با قوانین و واقعیت‌های حاکم بر عالم هستی به ویژه عالم انسانی است. نیازهای معیشتی از جمله مهم‌ترین نیازهایی است که برای پاسخ به آن تاکنون انواع متعددی از نظامات سوسیالیستی و لیبرالیستی و... تشکیل شده است. بدون تردید یکی از مبانی اصلی این نظامات نوع نگرش آنها به واقعیت فرد و جامعه و نوع روابط موجود فی‌مابین آنهاست. قرآن کریم برای عالم انسانی مفهوم ویژه‌ای به نام امت را مطرح کرده است که متفاوت از مفاهیم رایجی چون فرد و دولت است. این مفهوم دارای آثار و احکام مهمی به ویژه در زمینه نیازهای معیشتی انسان است. تکافل اجتماعی از جمله مهم‌ترین مفاهیم و شاخص‌های قرآنی و اسلامی است که در این ارتباط و به عنوان یکی از ارکان نظام تامین اجتماعی و پاسخ‌گویی به نیازهای معیشتی مطرح گردیده است.

منابع:

کتاب شناسی (فارسی):

- قرآن کریم، ترجمه: آیت الله ناصر مکارم شیرازی
- نهج البلاغه، سیدرضی، ترجمه: سید علینقی فیض الاسلام
۱. آبرکرومی، نیکلاس (۱۳۶۷ش)، ترجمه حسن پویان، فرهنگ جامعه شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش
 ۲. آخوندی، محمود (۱۳۶۹ش)، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
 ۳. آگوستین، قدیس (۱۳۹۲ش)، ترجمه حسین توفیقی، شهر خدا، چاپ اول، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب
 ۴. آمدی تمیمی، عبدالواحد، تصحیح: سید مهدی رجایی (۱۴۰۷ق)، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی
 ۵. اچ ترنر، جانانان (۱۳۷۸ش)، ترجمه فولادی و عزیز الله بختیاری، مفاهیم کاربردی جامعه شناسی، چاپ اول، تهران، نشر موسسه امام خمینی (ره)
 ۶. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷ش)، جامعه شناسی توسعه، چاپ اول، تهران، موسسه نشر کلام
 ۷. استاد ملک، فاطمه (۱۳۹۷ش)، حجاب و کشف حجاب در ایران، چاپ اول، تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی
 ۸. اسعدی، محمد، و همکاران (۱۳۹۲)، آسیب شناسی جریان های تفسیری (جلد دوم)، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
 ۹. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵). بررسی شاخص های توسعه اجتماعی و سطح بندی آن در شهرستان ها، چاپ اول، انتشارات دانشگاه اصفهان
 ۱۰. افلاطون، ترجمه فؤاد روحانی (۱۳۶۸ش)، جمهور، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
 ۱۱. ال، دیوید، ای، مارتین (۱۳۸۱ش)، ترجمه یحیی سید محمدی، روانشناسی ناپهنجاری آسیب شناسی روانی، چاپ دوم، تهران، نشر ارسباران
 ۱۲. الأوسی، علی (۱۳۷۰)، ترجمه: سید حسین میرجلیلی، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۱۳. الأوسی، علی (۱۳۷۶)، قرآن و تفسیر عصری (پژوهشی در نگرش عصری به قرآن، زمینه ها و نتایج آن)، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۴. الأوسی، علی (۱۳۷۷)، به همت بهاء الدین خر مشاهیف تفسیر قرآن (دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی)، تهران، انتشارات دوستان
 ۱۵. الأوسی، علی (۱۳۷۹). اندیشه اجتماعی در تفسیر المیزان. «صحیفه مبین». معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی. دوره اول، شماره ۴، ۱۰۱-۱۱۴.
 ۱۶. ابازی، سید محمد علی (۱۳۷۳)، المفسرون: حیاتهم و منهجهم، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد
 ۱۷. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸ش)، ترجمه فریدون بدره ای، مفاهیم اخلاق دینی در قرآن، چاپ اول، تهران، نشر فرزاد
 ۱۸. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۳ش)، ترجمه احمد آرام، خدا و قرآن در اسلام، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار
 ۱۹. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، ترجمه مریم وتر، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر
 ۲۰. بیرو، آلن (۱۳۷۰ش)، ترجمه باقر ساروخانی، فرهنگ علوم اجتماعی، چاپ دوم، تهران، کیهان
 ۲۱. پاک نژاد، سیدرضا (۱۳۶۴ش)، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، چاپ اول، تهران، نشر یاسر، ۱۳۶۴
 ۲۲. پتروسکی (۱۳۷۳ش)، ترجمه حسن پریان، جامعه شناسی مدرن، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش
 ۲۳. ترابی، علی اکبر (۱۳۸۷ش)، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
 ۲۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶ش)، ده مقاله پیرامون مبدا و معاد، چاپ اول، قم، انتشارات اسراء
 ۲۵. حرانی، حسن بن شعبه (۱۳۸۰ش)، ترجمه کمره ای، تحف العقول، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابچی

۲۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۴)، تفسیر و تفاسیر جدید، چاپ اول، تهران، کیهان
۲۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸ش)، چهل حدیث، چاپ اول، تهران، مرکز نشر فرهنگ رجا
۲۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، چاپ پنجم، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۲۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶ش)، صحیفه امام (مجموعه سخنرانی‌ها و نامه‌های امام خمینی ره)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۳۰. دورکیم، امیل (۱۳۷۳ش)، ترجمه علی محمد کاردان، قواعد روش جامعه‌شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۳۱. دورکیم، امیل (۱۳۶۹ش)، ترجمه باقر پرهام، درباره تقسیم کار اجتماعی، چاپ اول، بابل، کتابسرای بابل
۳۲. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱ش)، حیات یحیی، چاپ دوم، تهران، انتشارات عطار و فردوسی
۳۳. دوورژه، موریس (۱۳۶۷ش)، ترجمه ابوالفضل قاضی، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۳۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۱ش)، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۳۵. رازی ابوالفتح، حسین بن علی (۱۳۶۷ش)، به کوشش محمد جعفر یاحقی، و محمد مهدی ناصح، روض الجنان و روح الجنان، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی
۳۶. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷ش)، توسعه و تضاد، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار
۳۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۵)، منطق تفسیر قرآن، چاپ دوم، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی
۳۸. روسک، جوزف (۱۳۶۹ش)، ترجمه بهروز نبوی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، چاپ سوم، تهران، کتابخانه فروردین
۳۹. روشه، گی (۱۳۶۶)، ترجمه منصور وثوقی، تغییر اجتماعی، چاپ دوم، تهران، نشر نی
۴۰. ساروخانی، باقر (۱۳۸۰ش)، جامعه‌شناسی ارتباطات، چاپ دوم، تهران، مؤسسه اطلاعات، تهران
۴۱. سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۰ش)، جامعه‌شناسی کجروی، چاپ دوم، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه
۴۲. شیخاوندی، داور (۱۳۷۳ش)، جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ سوم، گناباد، نشر مرنندیز
۴۳. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲ش)، به اهتمام مهدی محقق، اوائل المقالات، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۴۴. صالح عظیمه (۱۳۸۰ش)، ترجمه حسین صابری، واژگان قرآن، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی
۴۵. صانعی، پرویز (۱۳۷۴ش)، حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش
۴۶. صبوری اردوبادی، احمد (۱۳۷۶ش)، آیین بهزیستی در اسلام، چاپ سوم، تهران، نشر دفتر فرهنگ اسلامی
۴۷. صدوق، محمد بن علی (بی‌تا)، تحقیق سیدهاشم حسینی تهرانی، معانی الاخبار، چاپ اول، قم، نشر کتاب
۴۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷ش)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۴۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه
۵۰. طبرسی، ابوالفضل علی (۱۳۶۴ق)، ترجمه رضایی و نیشابوری، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، چاپ اول، مشهد، چاپ میزان
۵۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق)، تحقیق حسن خراسانی، تهذیب الاحکام، قم، انتشارات جامعه
۵۲. فاستر، مایکل. ب (۱۳۵۸ش)، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، خداوندان اندیشه سیاسی، تهران، امیرکبیر، تهران
۵۳. فتح‌آبادی، رضا (۱۳۷۱)، اشاعه فساد و فحشا و فرهنگ پوچ‌گرایی، چاپ اول، تهران، نشر بلیغ
۵۴. قزوینی، موحد (۱۴۰۰ق)، ترجمه محمد کاشفی، خواهر حجابت سعادت است، چاپ اول، قم، چاپخانه زنجانی
۵۵. قشیری، عبد‌الکریم بن هوازن (۱۳۸۱ش)، ترجمه ابو علی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، رساله قشیری، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ فرهنگی
۵۶. کاردان، علی محمد و همکاران (۱۳۷۲ش)، فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت

۵۷. کریمی، یوسف (۱۳۷۷ش)، روانشناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران، نشر ارسباران
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ش)، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، اصول کافی، چاپ دوم، تهران، چاپ ابتکار
۵۹. کوئن، بروس (۱۳۷۰ش)، ترجمه محسن ثلاثی، مبانی جامعه شناسی، تهران، نشر فرهنگ معاصر
۶۰. کوزر، لیونیس (۱۳۷۶ش)، ترجمه محسن ثلاثی، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی
۶۱. گولد، جولوس؛ کولب، ویلیام (۱۳۷۶ش)، ترجمه زاهدی و دیگران، فرهنگ علوم اجتماعی، چاپ سوم، تهران، نشر مازیار
۶۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳ش)، ترجمه منوچهر صبوری، جامعه شناسی عمومی، چاپ اول، تهران، نشر نی
۶۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۵ش)، ترجمه یوسف اباذری، جامعه شناسی دورکیم، چاپ اول، تهران، خوارزمی
۶۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۶ش)، میزان الحکمه، چاپ اول، تهران، مکتب الأعلام الاسلامی
۶۵. مدرسی، سید محمدرضا (۱۳۷۱ش)، فلسفه اخلاق، چاپ اول، تهران، نشر سروش
۶۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۱ش)، فلسفه اخلاق، چاپ دوم، تهران، نشر موسسه اطلاعات
۶۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، چاپ سوم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۶۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۸ش)، عدل الهی، چاپ یازدهم، تهران انتشارات اسلامی
۶۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، فطرت، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا
۷۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴ش)، ده گفتار، چاپ هفتم، قم، انتشارات صدرا
۷۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، جامعه و تاریخ، چاپ سوم، تهران، انتشارات صدرا
۷۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۰)، تفسیر و مفسران، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، چاپ دوم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه
۷۴. ملکوتیان، مصطفی (و جمعی دیگر) (۱۳۷۹ش)، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن. چاپ سوم، قم، دفتر نشر و پخش معارف
۷۵. مومنی، فرشاد (۱۳۹۰)، نسبت توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۷۶. واعظی، احمد. (۱۳۸۱)، میزان و پرسش های نو (مرزبان وحی و خرد)، چاپ اول، تهران، بوستان کتاب.
۷۷. ویکتور فرانکل، (۱۳۵۶ش)، ترجمه اکبر معارفی، انسان در جستجوی معنا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

کتاب شناسی (عربی):

۱. الامین، محسن العاملی (۱۹۳۶م)، اعیان الشیعه، الطبعة الاولى، دمشق، نشر الخالديه
۲. ابن اثیر، مجد الدین مبارک بن محمد (۱۳۶۴ش)، النهایة فی غریب الحدیث، الطبعة الثانية، قم، اسماعیلیان
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، المسند، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۴. ابن سعد، محمد (۱۴۰۵ق)، الطبقات الکبری، الطبعة الرابعة، بیروت، دارالنشر
۵. ابن فارس، احمد (۱۳۸۹ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، الطبعة الاولى، القاهرة، دارالفکر
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۷ق)، تفسیر القرآن العظیم، الطبعة الرابعة، بیروت، دار الکتب العلمیه
۷. ابن مسکویه، احمد بن محمد رازی (بی تا)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، مقدمه حسن التمیم، الطبعة الخامسة، بیروت، دارالزهراء
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، الطبعة الرابعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
۹. ابن هشام، محمد (۱۹۸۵م)، السیره النبویه، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث
۱۰. ابونعیم الاصفهانی، احمد بن عبد الله (۱۴۰۶ق)، حلیة الاولیاء، الطبعة الاولى، بیروت، دارالزهراء
۱۱. البحرانی، هاشم (۲۰۰۶م)، البرهان فی تفسیر القرآن، الطبعة الثانية، بیروت، موسسه الاعلمی
۱۲. البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۷۹ق)، الادب المفرد، الطبعة الثانية، القاهرة، دارالفکر
۱۳. البوطی، محمد سعید رمضان (۲۰۰۹م)، منهج الحضاره الانسانیة فی القرآن، البعة العاشرة، دمشق، دارالفکر

۱۴. البیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، الطبعة الاولى، بیروت، دارالفکر الاسلامی
۱۵. الجمال، حمد بن صادق (۱۴۱۴ق)، اتجاهات الفكر الاسلامی المعاصر فی مصر فی النصف الاول من القرن الرابع عشر الهجری، الطبعة الاولى، الرياض دارعالم الكتب
۱۶. جولد تسهر، اجنتس (۱۳۷۴ق)، ترجمه عبدالحلیم النجار، مذاهب التفسیر الاسلامی، الطبعة الثالثة، القاهرة، مكتبة الخانجي - مكتبة المشی
۱۷. الخالدي، صلاح عبدالفتاح (۱۴۲۱ق)، المنهج الحنکی فی ضلال القرآن، الطبعة الاولى، عمان، دارعمار
۱۸. الجوهری، محمد (۱۹۸۲م)، علم الاجتماع و قضايا التنمیة فی العالم الثالث، الطبعة الثانية، القاهرة، دارالمعارف
۱۹. الحر العاملي، محمد ابن حسن (۱۴۰۴ق)، رسایل الشیعة، الطبعة الخامسة، بیروت، داراحیاء التراث العربی
۲۰. الذهبی، محمد حسین (۱۳۹۶م)، التفسیر و المفسرون، الطبعة الثانية، بیروت، دارالکتب الحدیثه
۲۱. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، الطبعة الرابعة، بیروت، دارالعلم
۲۲. رشید رضا، محمد (بی تا)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، الطبعة الثانية، بیروت، دارالمعرفة
۲۳. الزحلی، وهبة (۱۴۱۱ق)، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، الطبعة الاولى، دمشق، دارالفکر
۲۴. الزرکشی، بدرالدین (۲۰۰۴م)، الب رهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الاولى، القاهرة، مطبعة الحلبي
۲۵. الزمخشري، جار الله (۱۴۰۲ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التاویل، الطبعة الثانية، بیروت، دارالکتاب العربی
۲۶. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمان (۱۴۰۱ق)، جامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، الطبعة الاولى، بیروت، دارالکتاب العربی
۲۷. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمان (۱۴۰۲ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، الطبعة الاولى، قم، مكتبة المرعشی النجفی
۲۸. الصدوق، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، معانی الاخبار، بیروت، الطبعة الاولى، نشر الصدوق
۲۹. الطبري، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق خلیل میس، دار الفکر، بیروت،
۳۰. الطبرسی، فضل بن حسن طبرسی (۱۴۰۳ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الطبعة الثانية، قم، مكتبة المرعشی النجفی
۳۱. الغزالی، ابو حامد محمد (۱۴۰۶ق)، احیاء علوم الدین، الطبعة الخامسة، بیروت، دارالفکر الاسلامی
۳۲. الفارابی، ابونصر (۱۹۶۸م)، آراء اهل المدينة الفاضلة، الطبعة الثانية، بیروت، دارالمشرق، بیروت
۳۳. الفخر الرازی، محمد بن عمر (بی تا)، مفاتیح الغیب معروف به التفسیر الکبیر، الطبعة الاولى، القاهرة، دارالنشر العربی
۳۴. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، الطبعة الثانية، بیروت، دار الملائک للطباعة
۳۵. قاضی عیاض، ابو الفضل عیاض بن موسی (۱۴۰۲ق)، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالنشر
۳۶. القرطبي، محمد بن احمد (۱۴۰۹ق)، تصحیح ابراهیم اطفیش، الجامع لاحکام القرآن، الطبعة الاولى، القاهرة، دارالکتاب العربی
۳۷. لقرطبي، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات ناصر خسرو
۳۸. قطب، سید (۱۴۱۲ق)، فی ضلال القرآن، الطبعة الرابعة، القاهرة، دارالشروق
۳۹. الکاشف، علی (۱۹۸۵م)، التنمیة الاجتماعیة و المفاهیم و القضايا، الطبعة الاولى، القاهرة، عالم الكتب
۴۰. المدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، الطبعة الرابعة، طهران، دار محیی الحسین (ع)
۴۱. المراغی، احمد بن مصطفی (۱۳۹۴ق)، تفسیر المراغی، الطبعة الثامنة، بیروت، داراحیاء التراث العربی
۴۲. المزی، جمال الدین یوسف (۱۴۰۶ق)، تحقیق بشار عواد معروف، تهذیب الکمال، الطبعة الثانية، بیروت، دارالفکر العربی
۴۳. المجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالعلم
۴۴. محمد حسن، عبد الباسط (۱۹۸۲م)، التنمیة الاجتماعیة، الطبعة الرابعة، القاهرة، مكتبة وهبه
۴۵. المصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالفکر
۴۶. المغنیة، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، الطبعة الاولى، طهران، دارالکتب الإسلامیة

۴۷. النوری، میرزا حسن (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، الطبعة السادسة، قم، موسسه آل البيت (ع)

۴۸. الوالی، عبدالهادی (۱۹۸۲م)، التنمية الاجتماعیه مدخل لدراسه المفهومات الاساسیه، الطبعة الثانيه، اسکندريه مصر، دارالمعرفه الجامعيه

کتاب شناسی (انگلیسی) :

- ۱- Simon Archer, Riffat Ahmed Abdel Karim, Volker nienhaus,(2009), Takaful Islamic insurance concepts and regulatory issues, John Wiely and Sons (Asia), Singapore, the First edition
۲. Sohail Jaffer, (2007), Islamic Insurance: Trends, Opportunities and the Future Of Takaful, Euromoney Institutional Investor Plc, London, the first edition.
۳. Anderson, L. (2006). "Analytic autoethnography", Journal of contemporary ethnography, 35: 373-395.
۴. Charmaz, K. (2005). Grounded Theory: objectivist and constructivist methods. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.).
۵. Clarke, A. (2005). Situational Analysis: Grounded Theory after the postmodern Turn, Thousand Oaks, CA: Sage
۶. he postmodern Turn, Thousand Oaks, CA: Sage Creswell, John W. (2007). Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches, USA. Sage
۷. Laura Ellington's Engaging Crystallization in Qualitative Research: An Introduction", The Weekly Qualitative Report, Volume 2, Number 19, May 11, pp. 111-115

مقالات:

۱. آقایی، محمد رضا (۱۳۸۸). روش شناسی تفسیر اجتماعی. «قرآن و علم». سال سوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ۱۱-۳۵.
۲. احسانی، محمد (۱۳۸۷). روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن. «قرآن و علم». شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ۳۵-۴۹.
۳. الأوسی، علی (۱۳۸۹)، گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن مجید (الاهیات اجتماعی)، سال دوم شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ۱۰۳ -
۴. ایزدپناه، عباس؛ شاکر نژاد، احمد، ضرورت نگاه تمدنی به مفهوم معنویت، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الاهیات، سال نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴ ش.، صص ۱۲۳-۱۴۹.
۵. چلبی مسعود، مبارکی محمد (تابستان ۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله، مجله جامعه شناسی ایران، تهران
۶. خوش منش، ابوالفضل (۱۳۸۷). تفسیر آیه الله طالقانی: خطابی فرهیخته و قرآنی. «مطالعات قرآن و حدیث»، دانشگاه الزهراء (س)، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۷: ۵۵-۹۳.
۷. فولادی، محمد: «نظارت اجتماعی»، مجله معرفت، سال ششم، ۱۳۷۶، ش ۲۱.
۸. گای، دارام و دیگران (۱۳۷۱)، بررسی شاخص های انسانی و اجتماعی توسعه گاهنامه روستا و توسعه، تهران، شماره چهارم
۹. مدبر، محمد حسین (۱۳۸۹). بررسی گرایش اجتماعی در تفسیر قرآن. «قرآن و علم». بهار و تابستان ۱۳۸۹. سال چهارم، شماره ۶. ۱۸۵ - ۲۰۴.
۱۰. واحدیان عظیمی، امیر؛ رحیمی، ابوالفضل، تبیین مفهوم معنویت؛ تحلیل محتوای قراردادی، مجله علوم تحقیقات کیفی در علوم سلامت، سال ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲ ش.، صص ۱۱-۲۰.